

۱۹۰۹۶۱۹

خاطرات ناصر ملک مطیعی

نویسنده: ناصر ملک مطیعی



فهرست برگه

سرشناسه : ملک مطیعی، ناصر، ۱۳۹۷-۱۳۰۹
 عنوان و پدیدآور : خاطرات ناصر ملک مطیعی / مؤلف: ناصر ملک مطیعی.
 مشخصات نشر : تهران: کتابسرا، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری : ۲۹۰ ص، [۳۷] ص. تصویر: مصور.
 شابک : 978-964-5506-63-4
 وضعیت فهرست نویسی : فیا.
 موضوع : ملک مطیعی، ناصر، ۱۳۰۹ - ۱۳۹۷ -- خاطرات.
 موضوع : بازیگران سینما -- ایران -- قرن ۱۴ -- خاطرات.
 م موضوع : Motion picture actors and actresses -- Iran -- 20th century -- Diaries
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ خ۸م/ PN۲۹۵۷
 رده بندی دی : ۷۹۱/۴۳۰۲۸۰۹۲۲
 شماره کتبخانه : ۵۲۴۴۶۰۹

خاطرات ناصر ملک مطیعی

ترجمنده: ناصر ملک مطیعی

چاپ اول: ۱۳۹۷

حرکت نگر و صفحه آرایی: فریبا محبی

طراحی جلد و آفست: آزاده عسگری

چاپ: سه طرفه

تیراژ: ۱۱۰۰ عدد

ش.ا.ب.ک: ۴-۶۳-۵۵۰۶-۹۶۴-۹۷۸ ISBN: 978-964-5506-63-4



دفتر و نمایشگاه شرکت کتابسرا

شماره گواهینامه ایزو 15-Q-1002566-TIC

خیابان خالداسلامبولی (وزرا)، کوچه ششم، کوی دلفروز، شماره ۱۷، تهران

کد پستی: ۱۵۱۱۷۳۸۹۵۱، ساختمان کتابسرا

تلفن: ۸۸۷۱ ۶۱۰۴ - ۸۸۷۱ ۷۶۳۶ - ۸۸۷۱ ۲۴۷۹

فکس: ۸۸۷۱ ۷۸۱۹

KETABSARA@KETABSARA.ORG

WWW.KETABSARA.IR

Telegram: @ketabsarair

Instagram: ketabsara.publishers

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۹	در خدمت و خیانت شهرت
۱۳	بیش از آغاز
۱۷	حاشیه‌های شهرت
۲۱	سینما در ایران
۲۷	آشنایی و تولید فیلم
۳۱	تدارکات در سینما
۳۵	مالیات
۳۹	زادروز و زادگی
۴۷	سینماداری
۵۱	تهران
۵۹	سال‌های درس و نوجوانی
۷۱	ورزش
۷۹	خاطره یک وفاداری
۸۳	هنرستان هنرپیشگی
۸۷	اولین فیلم
۹۱	دکتر کوشان
۹۵	استودیو پارس فیلم
۹۷	سال‌های انتظار و دوبله
۱۰۱	رفت و آمد به دنیای ورزش
۱۰۷	غلامرضا تختی
۱۰۹	سال‌های آغازین بازیگری
۱۲۱	تهران در هیاهو
۱۲۹	روزهای موفقیت و غرور
۱۳۳	مالیات و قراردادهای
۱۳۹	سربازی
۱۴۹	چهارراه حوادث
۱۵۳	چهارراه حوادث سربازی
۱۵۷	موسیقی فیلم
۱۶۱	قید و قیود دوران آغاز کار

۱۶۵	اولین فیلم رنگی
۱۶۹	دیدار با شاه
۱۷۳	سه قاب
۱۷۷	غلام ژاندارم
۱۷۹	کلاه مخملی
۱۸۱	رقابت با فردین و بهروز
۱۸۵	ماجرای آمدن فردین به سینما
۱۸۹	کارگردانی
۱۹۱	کیمیای و علی حاتمی
۱۹۳	امیرکبیر
۱۹۷	سفرهای خارج از کشور
۲۰۳	سفر به اتریش
۲۰۷	اشتن قوانین
۲۱۳	جد نواره نیم مسکو
۲۲۳	کن، شهر سحر
۲۲۷	سفر به پاکستان
۲۲۹	سفر به برلن
۲۳۵	فیلم‌های مشترک
۲۴۱	جشنواره‌های ایرانی
۲۴۳	درد دل‌های دوران بازنشستگی
۲۴۹	خروج از ایران
۲۵۳	رؤیای آمریکایی!
۲۵۹	بیم و هراس
۲۶۳	مرگ فردین
۲۶۵	در سوگ ویگن
۲۶۷	به یاد قدیم
۲۶۹	و سوسه بازگشت به سینما
۲۷۱	استاد بسیار عزیز و عارف دلسوخته، حسن شهباز
۲۷۵	مسعود بهنود
۲۷۹	دکتر
۲۸۱	محرم
۲۸۵	داستان این روز و این روزگار
۲۸۹	پایان یک مسیر
۲۹۱	تصاویر

مقدمه

ناپلئون نیستم کدنمایی بر ادتهای داشته باشم. شرح حال و خاطراتم هم تاریخ ساز نیست. یک آدم معمولی و ساده و خورش شانس بوده ام که سکه شانس بر مدار آرزوهایش چرخیده و روزگار بر وفق مرانش برده است. جز این و بیش از این نه چیزی بوده ام و نه حتی در خلوت و جلوت ادعا و آرزوهایش را داشته ام برای من از تمام مواهب دنیا این یکی بس؛ که پنجاه سال مورد توجه و احترام و محبت مردم بوده ام؛ این خودش کم موهبتی نیست. موهبتی که اگر تاریخ این مرز و بوم را بکاود، خواهید دید که به سادگی و آسانی نصیب کسی نمی شود. از این روست که اگر برای سر نازی که به سفره ام آمده نانی صدقه دهم و اگر روزی هزار بار شکر خداوند را به جا بیاورم و سجده در خاکش کنم، باز هم در نهایت بدهکار و وامدار این دین گرانقدر هستم؛ که خدا بر گردد و من نیز ناتوان از بر آوردن حتی اندکی از این دین گران سنگ ...

گفتن مقدماتی چنین صادقانه آدم را کلی سبک می کند. حال که منم و شنیدید که کیستم و درباره خود چه می اندیشم و در دنیای پیرامون چه قدر و قیمتی برای خود و جایگاهم قایلیم، می توانم راحت تر حرف بزنم و بهتر و صادق تر درد دل روی کاغذ آورم. البته هراس دارم که این اندک درد دل آغازین را به حساب تظاهر به فروتنی و تواضعات کاسب کارانه ای که این روزها مد شده و سر هر کوی و برزنی به وفور به فروش می رسد، بگذارید؛ که از آن بیزارم. نه اتفاقاً قدر دان مهر و محبت و عشق و علاقه دوستدارانم هم هستم و قصدم هیچگاه این نبوده و نیست و نخواهد بود که این مهر و عشق را کم قدر و

قیمت جلوه دهم؛ که اصلاً نمی‌شود با این معیار و مقیاس عشق و علاقه را محک زد و به عیار کشید. این از این. یعنی که وقتی می‌گویم آدمی معمولی و ساده بوده‌ام، غرض این نیست که گذشته‌ام را در سینما کمرنگ و کم‌ارج جلوه دهم؛ که نبوده؛ و قدر و قیمتی به بزرگی قلوب دوستداران آن سینما و آدم‌هایش دارد. حالا خواهید دید کمی جلوتر که رفتیم، ادای ناپلئون‌های روزگار را هم در خواهم آورد و با شجاعت تمام پا بر عرصه تاریخ خواهم گذاشت؛ که این منم طاووس علیین شده. به هر حال من ناصر ملک مطیعی با خیلی‌های دیگر اندک تفاوتی هم دارم که مهم‌ترینش شاید این باشد که مرا می‌شناسند و آن خای‌ها که شاید عزیزتر و بزرگ‌تر از من و امثال من باشند، نه. پس نگران نباشید؛ خود را ساده نامیدم. این معنا نیست که تن به بازی نفی گذشته دهم. نه؛ همان‌گونه که گفتم جلوتر که رفتیم آخرین تیر ترکش شهرت و معروفیت را نیز رها خواهم کردم تا قصه زندگی و شرح حال و خاطراتم، المگبر شود.

این نهایت آرزو و آمال من است که آخرین تیر بر هدف بنشیند و شما با الطاف بی‌پایان‌تان این خاطرات را بخوانید و ببید و ببذیرید. به هر روی آن چه بر من و دیگر سینماگران این دیار گذشته، می‌تواند به درد امروزی‌ها و آیندگان بخورد؛ اگر خودپسندانه نخواهم بگویم که تاکنون هم به درد نخورده و خمیرمایه فکر و اندیشه جوان‌ها و سینماگران افتخارآفرین امروز ایران زمین را شکل داده است. می‌نویسم تا خوانندگان و شنوندگان و به‌طور کلی مردم عزیزم بدانند که اگر هم آن چه ساخته‌ایم و آن چه به وجود آورده‌ایم، باعث ادعا و افتخار و مباهات نشود و باز نگذاشته‌اند بشود، اما، محبت و لطفی که در تمام این سال‌ها شامل حالمان شده و بوده، و خود فخر و سپاس ماست. حمایت معنوی شما ما را از نعمت‌های مادی بی‌نیاز کرده و امر را بر این سرمایه جاودانه و مردمی زیربنای سینما و پشتیبان جوان‌های هنرمند و با استعداد این سرزمین قلمداد می‌شود، از موهبت عشق و مهری است که ما را لایقش دانسته‌اید و به پایمان ریخته‌اید. این سینما از هیچ شروع شده، اما پیدا است که به همه چیز خواهد رسید؛ که تا همین جا هم که رسیده، مدیون و مرهون وجود شریف شماست...

درباره آن چه در ادامه خواهد آمد باید نکاتی را از همین ابتدا یادآوری کنم. اول این که سعی و کوشش در بازگویی حوادث و اتفاقات این بوده که وارد جزئیات زندگی

همکارانم نشوم و راجع به خوبی و بدی و رفتارشان در اجتماع و کارشان در سینما اظهار نظر نکنم. چه، قضاوت درباره آنها نه حق و نه وظیفه من است. قضاوت کار قاضی است و در دنیای هنر بهترین قاضیان مردمند و البته منتقدین و کارشناسان سینما؛ که به دیده منت قضاوت آنها را گردن می‌نهم. این را شکسته نفسی تلقی نکنید و فکر نکنید که می‌خواهم خودم را آدم خوبی جلوه دهم. سال‌های طولانی گذشته و نوشته‌ها و مصاحبه‌هایی که باقی مانده‌اند، نمودار طرز فکر و عقیده من هستند و البته شاهد این مدعا که همواره برای همه دوستان و همکاران عزیزم ارزش و احترام فوق‌العاده قایل بوده‌ام و به جامع هم، آنان، همه، شایستگی و لیاقت آن را دارند که به خوبی از آنها یاد شود.

امیدوارم حاصل این نوشته‌ها پند و اندرز برای دیگران باشد و این خودش تاریخ ساز است. اگر امضای پس این نوشته، و سند خوانا نیست و چندان اعتباری ندارد با بزرگواری قبول کنید و از اشتباهات من خطاها بگذرید.

اما آن چه من باید تعهد کنم و سددیده آن معتقد هستم حقیقت است و حقیقت. خدا را شاهد می‌گیرم که تلاش کرده‌ام راجع به انصاف و عدالت را در همه موارد رعایت کنم و جانب هیچ کس حتی خود را هم نگیرم. این با دوران و سنگینی که از لطف و محبت مردم در همه سال‌ها بر دوش داشته‌ام قابل احترام و ستایش است و قدرش را می‌دانم. کارهای هنری و دوران شهرت و معروفیت بسیار کوتاه است. مردم همواره به دنبال تازگی و تنوع هستند. اگر کسی در این وانفسا ماندگار شد باید لطف خدا شده‌ای باشد. در این میان اگر خودش هم معمار نوسازی و پابرجایی اعمالش باشد، چراغی نور است. سخن کوتاه که رهروی عشقم و در راه دوست قدم نهاده‌ام. شما دوست دارم و در دوستی ثابت قدم هستم. می‌نویسم و می‌گویم تا از حالمان باخبر باشید.

برایم بنویسید و اشتباهاتم را بازگو کنید تا به جایی که باید برسم. سخن دلپذیری نداشته و ندارم اما دلی سخن‌پذیر دارم و گوش‌شنوا.

خدا یار و یاورتان

ناصر ملک مطیعی

۲۹ فروردین ۱۳۹۷